

معجزه عادی بودن

● دکتر عبدالعظیم کریمی

عظمت روح را تنها در زمان عادی بودن می توان یافت!
میشل مونتینی

گویا حق با پاسکال بود که گفته بود: «فلاکت انسان تنها از یک چیز ناشی می شود؛ اینکه نمی تواند با آرامش در یک اتاق با خودش تنها بماند.» یعنی او همواره در پی فرار از خود است، زیرا از «خود بودن» خودش وحشت دارد. او می خواهد آتی باشد که نیست. حال آنکه انسان عادی که در خودبودگی خود مستقر است، همان است که می نماید و همان می نماید که هست. در مقدمه کتاب «علیه تفسیر» سوزان سانتاک^۱ در توضیح این سخن پاسکال می نویسد: «پس از چهار قرن، این سطر درخشان از کتاب «تأملات پاسکال»، هنوز هم ذره ای از واقعیت خود را از دست نداده است. در همین لحظه ای که این جمله را می خوانید، میلیون ها نفر در سرتاسر جهان اضطراب سکون و تنهایی خود را با ضرب گرفتن روی میز، با عوض کردن بی هدف شبکه های تلویزیون، با بطالت کلیک های بی هدف، با بوق زدن پشت فرمان اتومبیل، با رفت و آمدهای بی معنا در هزار توی منوی تلفن همراه، فراموش می کنند.

قرن دوزخی بیست و یکم تنها راه های پاک کردن صورت مسئله را بیشتر، رنگارنگ تر و هموارتر کرده است. قرنی که آرمان شهر (اتوپیا) روشنگری را به شهربازی بزرگی تبدیل کرده است. در مقابل تصویر معاصر انسان پاسکال، احتمالاً تصویر انسانی است که به جای باز کردن همه درها، تلیک (کلیک) کردن همه پیوندها و فشار دادن همه دکمه ها، مردد و با چهره های آرام و چشم هایی خیره مثل فرشته سودا زده (مالیخولیایی) آلبرشت دورر، پشت همه این درها و پیوندها و دکمه ها، در مکتی طولانی ایستاده است. بالقوگی خیره شدن و فکر کردن، و در مقابل، فعلیت بی وقفه انجام دادن و انجام دادن (سانتاک، ترجمه مجید اخگر، ص ۷).

ما بی وقفه می کوشیم مبدا همانی باشیم که می نماییم و مبدا همانی بنماییم که هستیم. بخش عمده ای از نیروی روانی و ذهنی ما فقط و فقط صرف این پیشگیری تنش زا می شود، زیرا از خودبودن و عادی بودن وحشت داریم. همه کاری انجام می دهیم که کاری انجام ندهیم. همه جور نقش می گیریم که نقش خود را نگیریم. انواع نمایش ها را بازی می کنیم تا خود را همان گونه که هستیم بنماییم. صدها نقاب و صورتک (ماسک) بر چهره می زنیم که مبدا بدون نقاب و صورتک دیده شویم.

به همین سبب است که فرانتس کافکا در جایی گفته بود: چگونه است که دست انسان خسته نمی شود از این همه نقابی که سال های سال بر چهره خود نگه می دارد؟^۲

یکی از برترین جراحان مغز ایران و دنیا، پروفیسور مجید سمیعی، در مصاحبه ای تلویزیونی، رمز موفقیت خود را در این می داند که همواره سعی کرده است معمولی باشد و چون معمولی بوده نابغه شده است! او در پاسخ به سؤال مجری که از او می پرسد رمز موفقیت شما در زندگی چیست، می گوید: «من یک فرد بسیار معمولی هستم.» یعنی چی معمولی؟ چیزی که من درک کرده ام این است که یکی از مشکل ترین مسائل زندگی انسان ها معمولی بودن است. زیرا هر کسی می خواهد یک جور دیگری خودش را نشان بدهد که هست. اما من سعی کردم همانی باشم که هستم و هیچ وقت تفکرات من با رفتار من فاصله ای نداشته باشد.^۳

به همین دلیل مونی (مونتینی) می گوید، عظمت روح را تنها در زمان عادی بودن می توان یافت! مونتینی به بلندپروازهای بزرگ هیچ اعتقاد و اعتمادی نداشت. از نظر او انسان هایی که سعی می کنند از حودمرز و توان خود فراتر روند، تنها به مرتبه دون خود تنزل می کنند. هر قدر بیشتر تلاش کنند که بیشتر افتند، عقب تر می مانند. از دید مونتینی، انسان پیشرفته کسی است که واقعی باشد و انسان واقعی یعنی رفتار کردن به طریقی که نه تنها «عادی»^۴ است، بلکه «عادی شده»^۵ است. هر گونه سخت کوشی در پیشی گرفتن از طبع خویش، چیزی جز سخت شدن زندگی را در بر ندارد.

گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع
سخت می گردد جهان بر مردمان سخت کوش

حافظ، غزل ۲۸۶

باید اذعان کرد، چنین عادی بودن واقعاً امر غیر عادی در حد نزدیک به یک معجزه است. نبوغ و شهامتی خاص می خواهد تا ما همانی باشیم که هستیم و به قدری معمولی باشیم که بی تا و بی نظیر شویم. در واقع، کمتر کسی می تواند به چنین مقامی از خودبودگی محض برسد که همان گونه باشد که هست. به قول سلطان العارفين شیخ بايزيد بسطامي:

يا چنان نماي که هستي

يا چنان باش که می نمایی.^۶

و ابوعلی دقاق گوید: «صدق آن بود که از خویشستن آن نمایی که باشی یا آن باشی که نمایی».^۷

پی نوشت ها

۱. به نقل از یادداشت دبیر مجموعه (حسین نمکین) بر کتاب علیه تفسیر. سوزان سانتاک. ترجمه مجید اخگر (۱۴۰۰). بیدگل. تهران. ص ۷.
۲. به نقل از مقاله نقاب در تفکر کافکا. حمید زبان پور

<http://textandcritic.blogfa.com/post/178>

۳. رمز و راز موفقیت پروفیسور سمیعی از زبان خودش و مصاحبه در برنامه دورهمی، نهم مهرماه ۱۳۹۷.
4. ordinary
5. Ordinate

۶. عطار نیشابوری، فریدالدین. تذکره الاولیاء. تصحیح رینولد آلن نیکلسون (۱۳۸۶). اساطیر. تهران.
۷. قشیری، عبدالکریم بن هوزن. رساله قشیری. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر (۱۳۸۵). علمی و فرهنگی. تهران.